

تحلیل مقایسه‌ای مهاجرت معکوس (شهری - روستایی) ایران در مقیاس استانی

حمید شایان^{۱*}، زینب عرفانی^۲، حمداله سجاسی قیداری^۳

۱-استاد گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲-دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳-دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

DOI: [10.22077/vssd.2021.4791.1044](https://doi.org/10.22077/vssd.2021.4791.1044)

چکیده

مهاجرت معکوس بیانگر مهاجرت از نقاط شهری به مناطق روستایی است و در سرشماری های عمومی ایران با عنوان مهاجرت شهر به روستا داده هایی را ارائه می دهد که در واقع، مجموع مهاجران بازگشتی از شهر به محل تولد خود یعنی روستا، با مهاجرانی است که در شهر متولد ولی به روستا مهاجرت دائم کرده اند. اهمیت موضوع را می توان از پیشینه جدید تحقیقات مهاجرت که تمرکز بر مهاجران بازگشتی و معکوس دارند، دریافت. هدف این تحقیق، بررسی و تحلیل تطبیقی مهاجرت معکوس - شهر به روستا، در مقیاس استانی بر پایه روش توصیفی - تحلیلی است. داده های مورد نیاز از سرشماری های سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ از سایت مرکز آمار ایران برداشت شده است. طبق یافته های تحقیق، در مقطع ۹۵-۱۳۸۵ در کل کشور، موازنه مهاجرت بین روستا و شهر برخلاف دهه های قبل از آن، متعادل شده است. بررسی تطبیقی نشان می دهد بیشترین تحول مثبت در استان های تهران، ایلام، یزد، سمنان، خراسان جنوبی و رضوی و بیشترین تحول منفی در چهارمحال و بختیاری، زنجان، خراسان شمالی و هرمزگان اتفاق افتاده است. با توجه به این دو تحول متضاد، به همراه شاخص های اثربخشی مثبت و منفی و موازنه مهاجرت بین روستا و شهر می توان گفت در سه استان چهارمحال و بختیاری، زنجان و کردستان، مهاجرت سنتی روستا به شهر بر مهاجرت معکوس غلبه مطلق داشته و این فرایند نامطلوب در آینده نیز به احتمال زیاد ادامه خواهد داشت. برعکس، در استان های بوشهر، گیلان و مازندران، غلبه با مهاجرت معکوس و در استانهای تهران، خراسان رضوی و جنوبی، ایلام، سمنان و یزد در آینده شاهد غلبه بیشتر مهاجرت معکوس بر سنتی خواهیم بود. از نظر حجمی، استانهای تهران، خراسان رضوی، مازندران و گیلان به تنهایی ۳۳ درصد از کل مهاجران معکوس را جذب کرده در کل استانهای کشور، ضریب همبستگی منفی ۴۷۷/۰+ بین شاخص محرومیت و نسبت مهاجران معکوس به جمعیت روستایی، نشان داده است که استانهای دارای مناطق روستایی محروم تر از نظر شاخص های محیطی، اجتماعی، اقتصادی، مهاجر معکوس کمتری داشته اند. در نهایت شکل های حاصل از نرم افزار ARC GIS نشان می دهد تباینات فضایی در سطح کشور از نظر مهاجرت معکوس، بسیار شدید و به نفع نواحی پرتراکم شمالی گیلان، مازندران و بوشهر و پیرامون کلان شهرهای تهران، مشهد، قم و یزد می باشد. بنابراین در برنامه ریزی فضایی سرزمین ایران، کاهش سطح محرومیت مناطق روستایی استانهای چهارمحال و بختیاری، زنجان، کردستان، خراسان شمالی و هرمزگان از اولویت بالایی برخوردار است.

تاریخ دریافت:

۲۸ مهر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۳ دی ۱۴۰۰

صفحات: ۱۸-۱



کلید واژگان:

مهاجرت معکوس،
موازنه مهاجرت،
اثربخشی مهاجرت،
استان های ایران

۱- مقدمه

شکل غالب مهاجرت در کشورهای جهان سوم از جمله ایران، حرکت یک سویه و عموماً بدون بازگشت روستائیان به شهرها بوده است، اما طی دهه اخیر در نواحی روستایی کشور الگوی دیگری از مهاجرت تحت عنوان مهاجرت معکوس با شدت بیشتری شکل گرفته است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶). به طوری که طبق نتایج سرشماری در فاصله زمانی ۹۵-۱۳۹۰ تعداد مهاجرین معکوس (شهر به روستا) نسبت به مهاجرت سنتی (روستا-شهر) تفاوت قابل ملاحظه‌ای دیده نمی‌شود، این دو به ترتیب شامل ۵۰۶۹۱۶ و ۶۰۸۰۳۱ نفر بوده‌اند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵). حرکت‌های مکانی جمعیت با پیشرفت‌های فنی، حمل‌ونقل و توسعه اقتصادی نسبت به گذشته افزایش یافته و به تنوع بسیار چشمگیری در طبقه بندی این پدیده در رابطه با هدف، مدت، فاصله، مسیر، حجم و سرعت منجر شده است. در مقیاس ملی حرکت خطی مهاجران از سکونتگاه شهری به سوی سکونتگاه روستایی بنا به دلایل درمانی، بازنشستگی و استفاده از فضاهای روستایی، اغلب به منظور فراغت و کاهش بار روانی مشکلات حاکم بر فضاهای شهری به عنوان کنشی مکانی- فضایی صورت می‌پذیرد (افراخته و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۴). در این راستا برگشت جمعیت یا جریان ضد شهرنشینی با عنوان مهاجرت معکوس نام برده می‌شود، این نوع مهاجرت یعنی مهاجرت از شهر به روستا شامل کارشناسان و کارمندان دائم و افرادی می‌گردد که به علت مشکلات فراوان شهری اقدام به چنین مهاجرت‌هایی می‌کنند (Lucas:2002,166). مهاجرت‌های داخلی ایران نتیجه توزیع نابرابر جمعیت در رابطه با امکانات طبیعی، عدم توزیع متناسب اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های ملی و بهره‌برداری از امکانات طبیعی است. فرایند این سه عامل باعث گردیده است که اجباراً بعضی مناطق جغرافیایی نیروی کار اضافی بالفعل خود را به مناطق دیگری که تقاضا به نیروی اضافی داشته است انتقال دهند (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). مهاجرت معکوس از پدیده‌های مثبتی است که در سال‌های اخیر در کشور شاهد هستیم. تداوم این روند می‌تواند ضمن کاهش بخشی از مشکلات جامعه شهری ایران، به آبادی و رونق دوباره روستاها و توزیع عادلانه نسبی جمعیت در فضای جغرافیایی کشور بینجامد (بارانی، ۱۳۹۶: ۳۶). خوشبختانه، از دهه ۹۵-۱۳۸۵ شاهد تعادل در موازنه مهاجرت سنتی و معکوس بر عکس گذشته‌ی نه‌چندان دور هستیم. این فرایند را می‌توان معلول رسیدن به نقطه اشباع در ظرفیت پذیرش مهاجر در شهرهای پرمسئله، همراه با رؤیای بازگشت به خاطرات نوستالوژی توأم با درک اهمیت کسب آرامش پس از گذران دوران پرمشغله کار و زندگی شهری دانست. تحلیل تطبیقی در رابطه با مهاجرت معکوس در سطح استان‌های ایران طی دو مقطع زمانی اخیر انجام نشده است. لذا شاخص‌های نسبت مهاجران معکوس به حجم کل مهاجران، موازنه مهاجرت معکوس و سنتی، اثربخشی مهاجرت در دو دهه اخیر در پی پاسخ به سؤالات زیر است: ۱- شدت مهاجرت معکوس و تحول آن در دو دهه ۸۵-۷۵ و ۹۵-۸۵ در مقیاس استانی چگونه بوده است؟ ۲- موازنه مهاجرت بین روستا و شهر در کدام استان‌ها طی دهه اخیر مثبت و در کدام استان‌ها منفی بوده است؟

۲- بنیان نظریه‌ای

مهاجرت به عنوان مهمترین تحرک مکانی جمعیت در یک قلمرو جغرافیایی، حرکت یک فرد یا گروهی از افراد در امتداد مرزهای یک واحد سکونتگاهی به واحدهای دیگر برای اقامت دائم یا موقت در مکانی غیر از زادگاه خود است

(stockdale, catney:2014,84 & Khthari,2002:16). از آنجا که مهاجرت در عمل مستلزم بسترهای مناسب در مبدا و مقصد است، فقدان شرایط بهینه در هر یک از مبادی و مقاصد به مهاجرت نکردن منتهی می شود؛ اما تمایل به مهاجرت ممکن است همچنان قوی بماند. شهر به عنوان مقصد مهاجرت و روستا به عنوان مبدأ مهاجرت در صورت فقدان مؤلفه های مؤثر مکانی - فضایی به عدم مهاجرت منجر می شود (ملکی، ۱۳۹۸: ۶۳۷). در پی مهاجرت های پی در پی روستائیان به شهرها، امروزه شاهد بازگشت شهرنشینان به روستاها به نام مهاجرت معکوس یا کوچ بازگشتی هستیم. با توجه به ماهیت این جریان جمعیتی می توان بیان کرد که تاثیرات این گونه مهاجرت ها می توانند هم بر شهرها و هم بر روستاها باشد؛ بنابراین پرداختن به مهاجرت برگشتی، تنها پرداختن به روستا نیست، بلکه شهر را نیز تحت شعاع قرار می دهد (مهاجرانی و روستا، ۱۳۹۳: ۱۹۵). عوامل تشدید کننده مهاجرت معکوس را می توان به شرح دو دسته زیر برشمرد:

عوامل اقتصادی - اجتماعی: پدیده مهاجرت بازگشتی، بیشتر واکنشی نسبت به ایجاد جذابیت در مناطق روستایی

قلمداد می شود که از طریق ایجاد درآمد در فعالیتهایی مانند کشاورزی و دامداری، بازنشستگی و گاه ناشی از مشکلات زندگی شهری پدید می آید (افراخته و همکاران ۱۳۹۵: ۸۵). ام لو معتقد به انگیزه های رفتاری (قضاوت های ارزشی فرد از محل زندگی شهری و زندگی روستایی در قالب خانه دوم) و هنجاری (رفتار فرد تابعی از انتظارات، گرایش های فکری و هنجارهای ذهنی) برای مهاجرت است. وی در کار خود به نقش نسبی رضایت افراد از محل سکونت خود می پردازد و تصریح می کند که مهاجرت و مکان گزینی مجدد، عملی هدفمند و عقلایی است که به صورت خودانگیخته در جهت اصلاح یا حفظ کیفیت زندگی فرد صورت می پذیرد. به عبارت دیگر متقاضیان خانه های دوم در ادامه رفاه عینی (مادی شهری) به دنبال رفاه ذهنی (غیر مادی روستایی) هستند (ابراهیم زاده آسمین، ۱۳۹۸: ۱۷۴). اقتصاددانان معتقدند که فرد مهاجر به عنوان عامل مهاجرت، عملکرد خود را در قالب اصل هزینه - فایده ارزیابی می کند و در این بخش کلیه هزینه های متصور اعم از هزینه های ملموس و غیرملموس مانند هزینه پیدا کردن کار، هزینه مسافرت، هزینه های انطباق با محیط و نظایر آن را در نظر می گیرد و در صورتی که فایده ای بیش از هزینه بر آن مرتبط باشد به مهاجرت اقدام می کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). مهاجرت بازگشتی در ایران بیشتر به بازگشت مردم از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و یا از شهرها به سکونتگاه های روستایی مربوط می شود. عوامل جاذبه روستایی (ارزانی زمین و مسکن، زمین ارثی، هوای لطیف و پاکیزه، نبود مشکلات شهری) و دافعه شهری (گرانی زمین و مسکن، فشارهای روحی و روانی، تبعیض نژادی، آلودگی هوا) و توسعه شبکه حمل و نقل موجب تحرک مکانی بصورت مهاجرت بازگشتی می شود. لذا اگر تحرک مکانی از شهر به روستا را مهاجرت معکوس بنامیم، مهاجرت بازگشتی فرایندی است که زندگی در روستا، مهاجرت به شهر و سکونت در آنجا و سپس بازگشت مجدد به روستا را شامل می شود (منافی آذر، ۱۳۹۶: ۱۸۰). که البته در نظام آماری ایران، این دو از هم تفکیک نشده اند. لازم به ذکر است بسیاری از تعاریف، دلایل اقتصادی را در شکل گیری مهاجرت معکوس مورد تأکید قرار می دهد؛ مانند واکنشی نسبت به ایجاد جذابیت در مناطق روستایی، که این جذابیت از طریق ایجاد درآمد در فعالیت هایی مانند دامداری، یا کشاورزی، بازنشستگی و گاهی اوقات ناشی از مشکلات زندگی شهری پدید می آید. (Okali, Okpara & Olawoye, 2001:5)

عوامل فضایی-کالبدی: مهاجرت معکوس و پیامدهای مکانی - فضایی آن در شکل‌گیری روستاهایی با نقش

تخصصی از جمله روستاهای خوابگاهی، کارگاهی، گردشگری (نقش غالب کارکرد تفریحی، پذیرایی و خانه‌های دوم و همچنین روستاهای با کارکرد مختلط) که فعالیت مرسوم در کنار فعالیتهای نوین و مورد نیاز شهری می‌دانند. با توجه به مصادیق جریان برگشتی جمعیت و تیپ روستاهای متأثر از پدیده مهاجرت معکوس، می‌توان گفت وجود تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین کلان شهرها با نواحی پیرامونی و نقاط روستایی واقع در حوزه‌ی نفوذ آنها، به تدریج به تغییراتی در ساختارهای جمعیتی، کارکردی، اقتصادی و نیز کالبدی جوامع و عرصه‌های روستایی منجر می‌گردد (پایدار، ۱۳۹۸: ۲۱). با توسعه راههای کشور زمینه‌هایی ایجاد شده تا حتی در صورت اشتغال فرد روستایی در شهرها، او باز هم به روستای خود باز گردد به ویژه در روستاهای نزدیک به مناطق شهری که می‌توانند در شهر کار کنند و در روستا زندگی کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۸۲). پدیده‌ی جدید و رو به رشد مهاجرت معکوس، به تازگی مورد توجه دولتها قرار گرفته است. نمونه‌های موفق مهاجرت معکوس را می‌توان در کشورهای مختلف دنیا مشاهده نمود. در آلمان اراضی مستعد حاشیه شهرها را در قطعات ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ متری تجهیز کرده، در اختیار بازنشینان علاقه مند به تولید قرار می‌دهند. معلمین بازنشسته در هلند برای تدریس دروس تقویتی و آموزشهای آسان تر به روستاها و مراکز تولید دعوت می‌شوند. در کالیفرنیا اراضی ۱۰ هکتاری دارای آب و امکانات کشت و زرع برای متقاضیان (اعم از بازنشینان، افراد بیکار و کارگران) علاقه مند به بازگشت به روستا آماده می‌شوند (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳). از این روی، برای کاهش مهاجرت‌های روستاییان به شهرها همواره اقدامات مختلفی در نقاط گوناگون جهان صورت گرفته است. خط مشی‌های اشتغال و درآمد، ایجاد مشاغل بیشتر، تغییر در فناوری تولید، فعالیتهای عمرانی مختلف، توجه به رفاه و ارتقاء شاخص‌های سلامت از جمله اقدامات صورت گرفته در این راستا بوده که باعث توسعه روستایی و در نتیجه مهاجرت معکوس از شهر به روستا گردیده است. بدین ترتیب، علاوه بر جریان غالب مهاجرت از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به بزرگ، طی سالهای اخیر جریان وارونه مهاجرت از شهرها خصوصاً کلان شهرها به نواحی روستایی پیراشهری شکل گرفته است (یعقوبی و زبیدی، ۱۳۹۶: ۱۹۸).

هر پدیده‌ی جغرافیایی دارای پیامدها و اثراتی است. از این رو، در بیان فواید مهاجرت معکوس در نواحی جغرافیایی می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

توازن جمعیت: برگشت جمعیت به مناطق روستایی، پیامدهای کاملاً متفاوتی نسبت به مهاجرت‌های شهری دارد که این تفاوت را می‌توان هم در سیستم استقرار و هم در سیستم‌های اجتماعی پیگیری نمود. بر این اساس، مهاجرت به عنوان روند ایجاد کننده تعادل در نظر گرفته می‌شود. در این وضعیت، مهاجرت با عنوان سیستم انتقال برای رسیدن به بالاترین سطح مدرنیزاسیون، به پایان راه رسیده است (قاسمی اردهالی و نوبخت، ۱۳۹۵: ۴۳). موضوع مذکور عموماً به عنوان مهاجرت شهر به روستا درک می‌شود که نشانه بارز آن از رشد آهسته یا حتی کاهش جمعیت در مراکز عمده ابرشهری به همراه رشد سریعتر جمعیت شهرهای کوچکتر یا مناطق روستایی می‌باشد (ظاهری، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

توسعه اشتغال و تنوع اقتصاد روستایی: متنوع کردن اقتصاد روستایی به سوی فعالیت‌های غیرکشاورزی، بدان معناست که نه تنها باید به رشد فعالیت‌های غیرکشاورزی، بلکه به افزایش تنوع کشاورزی و منابع درآمدی مکمل در راهبردهای

معیشت خانواده های روستایی توجه کرد (Rocchi, 2009: 3). روستاها همواره در حال تحول هستند، برخی پس از مرحله پیدایش در گذر زمان رشد صعودی می یابند و جاذب جمعیت می شوند. برخی با ادامه روند جذب جمعیت و ادغام با روستاهای دیگر تبدیل به شهر می شوند، برخی با تغییر کارکرد به روستاهایی با نقش تخصصی (گردشگری، تولیدی و...) تبدیل می شوند. اما برخی دیگر با تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی حیات دوباره می یابند (پایدار، ۱۳۹۸: ۲۳). ضرورت استفاده از توانایی، تجربه و مهارت مهاجران، به عنوان یکی از راه حل های مناسب برای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد روستاییان، جلوگیری از مهاجرت به شهرها و درنهایت توسعه کشور است. برای تعدادی از جوانان روستایی، چون فعالیتهای کشاورزی نمی تواند به مقدار کافی برای آنها تأمین درآمد کند ترک کشاورزی، یعنی حرکت به سمت شهر و تلاش برای شروع سبک جدیدی از زندگی مطرح می شود (Andersen, 2002:8).

گردشگری روستایی و نقش خانه های دوم: پدیده خانه های دوم در بسیاری از کشورهای جهان در حال رشد سریع می باشد. پدیده شهرگریزی و مهاجرت معکوس به نواحی روستایی که از اواسط قرن بیستم شروع شده، زمینه ساز افزایش این پدیده بوده است. گسترش خانه های دوم و حضور مالکان غیر بومی در روستاها، بالطبع اثرات چشمگیری بر جوامع روستایی خواهد گذاشت که البته در برخی مواقع این گونه تاثیر گذارها سودمند هستند. برای نمونه ممکن است خانه های قدیمی بازسازی شوند یا تبدیل به خانه های جدید شوند که علاوه بر خوش منظر کردن یک محل، مردم محلی نیز به صورت موقت و یا دائم توسط مالکین خانه های دوم استخدام شوند و از این طریق درآمدی عایدشان شود؛ فروشگاههای محلی فعال تر شده و یا ممکن است تسهیلات دیگری در محیط روستا فراهم شوند (حاجیلویی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۰). به عبارتی باعث بالا رفتن ارزش و اقتصادی شدن زمین های روستایی، نوسازی و بازسازی منازل روستایی، بازسازی جاده های روستایی، متنوع سازی اقتصاد روستایی، رواج ساخت و سازهای مهندسی، ایجاد شغل و تسهیلات مختلف و نهایتاً توسعه اقتصادی شود (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۱).

توسعه روستایی و مهاجرت معکوس: سکونتگاه های روستایی خواه و ناخواه در معرض دگرگونی هایی قرار دارند که اغلب منشأ بیرونی دارد و جلوه های گوناگون این دگرگونی ها در عرصه های روستایی به صور مختلف و در زمینه های متنوع ظهور پیدا می کند. اثرات این تحولات در عرصه کالبدی تحت عنوان تحولات فیزیکی - ظاهری مورد توجه بوده که به نوبه خود موجبات دگرگونی های درونی و حتی تحولات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی سکونتگاه های روستایی می گردند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۴۵). کنش متقابل، یعنی جریان اثر گذاری و اثر پذیری، هم بستر محیطی - اکولوژیک و هم عرصه فرهنگی و حتی کالبدی، کم و بیش دچار دگرگونی می شود و به این ترتیب با تغییر و دگرگونی فضای اجتماعی، روستاها به عنوان یک فضای اجتماعی پیوسته تغییر می کنند (فیروزنیا و ضیاء توانا، ۱۳۸۵: ۲۴). از جمله دگرگونی ها، پدیده جمعیتی مهاجرت معکوس است که تقریباً با این حجم، پدیده ای است نو و در راستای تعدیل ساختارهای جمعیتی که خود احتمالاً موجب پا گرفتن مطلوب زیر ساختها در نواحی روستایی خواهد شد (جوان، ۱۳۸۶: ۳۲۳). لذا به منظور جلوگیری از تمرکز این پدیده در حاشیه پیراشهری باید تعیین نظام استقرار آبی و طراحی ساختاری مناسب و مطلوب برای فضاهای روستایی کشور بر مبنای مقتضیات زیست محیطی و قابلیت توسعه فعالیت های جدید انجام گیرد (عنابستانی و جوانشیری، ۱۳۹۳: ۴۰).

شکل گیری مهاجرت معکوس در ارتباط با توسعه روستایی و کاستن از مشکلات شهری با توجه به حجم جمعیت شهری، در ساماندهی هر دو فضای شهری و روستایی موثر بوده است. مطالعات چندی در کشور در عرصه‌ی مکانی - فضایی در مقیاس منطقه‌ای انجام پذیرفته است که به تحولات مثبت و منفی و شدت مهاجرت معکوس طی دو دهه اخیر پرداخته شده است. از جمله مطالعات داخلی و خارجی در مورد مهاجرت معکوس انجام یافته، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نتایج مطالعه راغفر و قاسمی اردهایی، (1388) نشان می‌دهد در ترکیب سنی و جنسی، علل مهاجرت و ویژگیهای جمعیتی اقتصادی، تفاوت معنی داری بین مهاجران روستا به شهر و شهر به روستا وجود دارد. علت‌های پایان و انجام خدمت وظیفه و پایان تحصیل در مهاجرت‌های شهر به روستا مهم تر از روستا به شهر بوده و در علت‌های جستجوی کار، جستجوی کار بهتر، انتقال شغلی و تحصیل، درصدهای مهاجران روستا به شهر بیشتر از شهر به روستا بوده است. این امر نشان دهنده نابرابریهای دسترسی به حداقل‌های رفاهی و امکانات اولیه همانند آموزش و اشتغال و خدمات عمومی بین شهر و روستا است. غفاری و همکاران (1391) به مطالعه، شناسایی و ارزیابی متغیرهای اقتصادی اثر گذار بر مهاجرت معکوس از کلان شهر تهران پرداخته‌اند و نشان داده‌اند در کلان شهر تهران به ترتیب دو عامل زیر ساخت‌های اداری و امکانات رفاهی بر روی مهاجرت معکوس اثر گذار است.

افراخته و همکاران (1394) در مقاله‌ای با عنوان اثرات مکانی - فضایی مهاجرت بازگشتی در شهرستان میاندوآب بیان کرده‌اند در بازگشت مهاجران، عوامل اقتصادی بیشترین تأثیر را دارد و مهاجران با ارزیابی هزینه - فایده و تصور فواید بیشتر از هزینه‌ها تصمیم به بازگشت می‌گیرند. عوامل اجتماعی، روانشناختی و عمرانی نیز از سایر عوامل تأثیرگذار در بازگشت مهاجران هستند. پیامدهای بازگشت مهاجران شامل نوسازی مسکن روستایی، احیای اراضی کشاورزی، تبدیل اراضی زراعی دیم به باغی و مکانیزاسیون کشاورزی، توسعه دامپروری، احداث کارگاه‌های تولیدی و غیره بود که نوعی بازساخت فضایی را نشان می‌دهد. امان پور (1397) در پژوهشی با عنوان، شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر شکل گیری مهاجرت برگشتی نشان داده که از دیدگاه مهاجران برگشتی، شاخص اقتصادی و اجتماعی مهم ترین عامل مؤثر بر شکل گیری مهاجرت برگشتی است. نتایج ضریب همبستگی کندال گویای آن است بین برخورداری روستاها از خدمات و میان مهاجران برگشتی، ارتباط مستقیمی وجود دارد. همچنین نتایج آزمون رگرسیون خطی نشان می‌دهد در مهاجرت برگشتی منطقه مورد نظر، متغیرهای سن، جنس، تعلق بومی و فاصله سکونت تأثیرگذارند. براساس آزمون فریدمن، دسترسی به خدمات زیربنایی، ارتباطی، رفاهی و اداری، داشتن زمین و مسکن در روستا و فراغت شغلی و بازنشستگی، دارای اهمیت بیشتری بوده‌اند. ملکی و همکاران (1398) در پژوهشی با عنوان اثرات و پیامدهای مهاجرت معکوس در تحولات محیطی - اکولوژیکی و کالبدی روستاهای ساحلی شهرستان رشت نشان دادند مهاجرت‌های روستایی در طی سال‌های اخیر شدت یافته و خانواده‌ها تمایل زیادی برای بازگشت به روستاها دارند. این روند در روستاهای ساحلی بیش از سایر نقاط اثرات کالبدی اش از اثرات اجتماعی، کالبدی و فرهنگی بیشتر بوده است.

هولی بارکس^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی به تحلیل رضایت مهاجران بازگشتی نسبت به سکونت در روستا در کشور آمریکا پرداخته و نشان داده که مهاجران به طور کلی از سکونت در روستا راضی بوده، اما رضایت مندی آنها براساس گروه سنی و ویژگی های اجتماعی افراد متفاوت است. کولیر، پیراچا و راندازو^۲ (۲۰۱۲) در تحقیق خود درباره عوامل مؤثر بر انتقال سرمایه و مهاجرت معکوس به کشورهای مراکش، الجزایر و تونس دریافتند که احتمال ورود سرمایه به این کشورها توسط مهاجران چرخشی نسبت به مهاجران معکوس دائمی بیشتر است. مسئله دیگری که جالب به نظر می رسد این است که هرچه مدت زندگی در یک کشور خارجی افزایش می یابد، مهاجران تحصیل کرده تر کمتر سرمایه به کشورهای مبدأ منتقل می کنند. استوکدال^۳ (۲۰۱۴) در مقاله های به بررسی الگوهای مهاجرت داخلی ایرلند شمالی به ویژه مهاجرت شهر-روستا در ارتباط با مراحل مختلف دوره عمر می پردازد. نتایج او نشان می دهد که سن در تحرک افراد از شهر به روستا موثر است. افراد جوان (که تشکیل زندگی داده اند) تمایل بیشتری جهت مهاجرت دارند. دلیل این امر سیاست های موفق برنامه ریزی روستایی و سنت های خانوارهای کشاورز است.

بررسی مطالعات حاکی از تغییر و تحولات سریع در شهرها و روستاها و شکل گیری مهاجرت بازگشتی طی دهه های اخیر شده است. از عوامل تشدید کننده این نوع مهاجرت تاثیرات متقابل فضایی و ارتباط تنگاتنگ شهرها و روستاها بویژه در پیرامون کلان شهرها در شکل گیری روستاهای خوابگاهی با توجه به فاصله سکونت دلالت داشته است. شاخص های اقتصادی و اجتماعی از عوامل موثری است که با توجه به ارزیابی هزینه - فایده، گرانی زمین و مسکن، شیوه زندگی، مشکلات شهری، مزیت های روستایی به سبب برخورداری روستاها از خدمات و تحولات محیطی - اکولوژیکی، گردشگری روستایی و نقش خانه های دوم و اثرات آن بر کالبد فضاهای روستایی، فراغت شغلی و بازنشستگی به عنوان مهمترین علل شکل گیری مهاجرت های معکوس و بازگشتی مطرح شده است. پیامدهای مثبت جریان شهر به روستا در مجموع متعدد، رو به گسترش و در عین حال مستلزم انجام اقداماتی برای کاهش تمرکز آن بر نواحی پرتراکم پیراشهری است.

۳- روش، تکنیک ها و قلمرو

مطالعه حاضر از نوع مطالعات کاربردی و به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل تطبیقی مهاجرت معکوس در مقیاس استانی پرداخته است. داده های مورد نیاز از سرشماری ۱۳۹۵، ۱۳۸۵، سایت مرکز آمار ایران برگرفته شده است. در این پژوهش ضمن پردازش و طبقه بندی داده ها، وضعیت مهاجرت بین استانهای کشور، وضعیت مهاجرت در کل کشور، نسبت مهاجرت معکوس به مهاجرت روستا به شهر، شهر به شهر و روستا به روستا بیان شده است. در نهایت به شاخص های مثبت و منفی موازنه و اثر بخشی مهاجرت بین روستا و شهر به تفکیک استانهای ایران و رابطه بین سطح محرومیت روستایی و مهاجرت معکوس پرداخته شده است.

۱. Barcus Holly

۲. Collier, Piracha, Randazzo

۳. Stockdale

تجزیه تحلیل داده های آماری از طریق نرم افزار Excel و SPSS محاسبه و شکل های جغرافیایی مهاجرت شهر به روستا در دو دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ و ۱۳۹۵-۱۳۸۵ در محیط نرم افزار ARC GIS، ترسیم شد.

۴_ یافته‌ها و تحلیل داده

مهاجران بر حسب مبدأ و مقصد، طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵:

- مطابق جدول (۱) در فاصله سالهای ۹۵-۸۵ مجموعاً ۹۸۳۵۶۵۴ نفر وارد کشور شده یا در داخل کشور جابه جا شده اند. از مجموع مهاجران این دوره ۶۶۱۱۳۸۹ نفر یا ۶۲.۲ درصد از شهر به شهر، ۱۲۶۲۴۶۲ نفر یا ۱۲.۸ درصد از شهر به روستا، ۱۲۶۳۲۸۲ نفر یا ۱۲.۸ درصد از روستا به شهر و ۵۷۹۰۹۱ نفر یا ۵.۹ درصد از روستا به روستا مهاجرت کرده اند.

- در فاصله سالهای ۸۵-۷۵ مجموعاً ۱۲۱۴۸۱۵۰ نفر وارد کشور شده یا در داخل کشور جابه جا شده اند. از مجموع مهاجران این دوره ۶۳۸۵۶۶۵ نفر (۵۲.۶ درصد) از شهر به شهر، ۱۶.۵ درصد از شهر به روستا، ۱۹.۲ درصد از روستا به شهر و ۸.۸ درصد از روستا به روستا مهاجرت کرده اند.

- در فاصله سالهای ۷۵-۶۵ از مجموع مهاجران این دوره ۴۶.۶ درصد از شهر به شهر، و ۱۷.۷ درصد از شهر به روستا و در فاصله سالهای ۶۵-۵۵ از مجموع مهاجران این دوره ۳۳.۳ درصد از شهر به شهر، ۱۱.۸ درصد از شهر به روستا مهاجرت کرده اند.

- در دهه های ۱۳۵۵-۱۳۶۵، ۱۳۶۵-۱۳۷۵، ۱۳۷۵-۱۳۸۵ نسبت مهاجرین روستا- شهری بیشتر از مهاجرت معکوس بوده است که به مرور در مقابل مهاجرت معکوس از شدت آن کاسته شده و در دهه آخر به تعادل رسیده اند.

جدول (۱) تعداد مهاجران بر حسب مبدأ و مقصد آخرین مهاجرت طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۵

مبدأ / مقصد	کل	شهری	روستایی	سهم شهری	سهم روستایی
شهر	۷۳۷۳۸۵۱	۶۱۱۱۳۸۹	۱۲۶۲۴۶۲	۶۲.۲	۱۲.۸
آبادی	۱۸۴۲۳۷۳	۱۲۶۳۲۸۲	۵۷۹۰۹۱	۱۲.۸	۵.۸
خارج از کشور	۲۱۳۳۴۸	۱۲۲۹۴۸	۴۰۱۴۴	۱.۳	۰.۴
اظهار نشده	۴۰۶۰۸۲	۳۱۸۹۴۶	۸۷۱۳۶	۳	۰.۹
جمع کل	۹۸۳۵۶۵۴	۷۸۶۶۸۲۱	۱۹۶۸۸۳۳	۸۰.۱	۱۹.۹
شهر	۸۳۸۹۶۷۷	۶۳۸۵۶۶۵	۲۰۰۴۰۱۲	۵۲.۶	۱۶.۵
آبادی	۳۳۹۴۰۹۷	۲۳۳۰۰۵۰	۱۰۶۴۰۴۳	۱۹.۲	۸.۸
خارج از کشور	۲۶۰۴۹۵	۱۹۸۱۵۹	۶۲۳۳۶	۱.۶	۰.۵
اظهار نشده	۱۰۳۸۸۱	۸۵۸۳۲	۱۸۰۴۹	۰.۷	۰.۱
جمع کل	۱۲۱۴۸۱۵۰	۸۹۹۹۷۱۰	۳۱۴۸۴۴۰	۷۴.۱	۲۵.۹
شهر	۵۶۰۲۸۶۵	۴۰۶۲۱۷۱	۱۵۴۰۶۹۴	۴۶.۶	۱۷.۷

مبدأ / مقصد	کل	شهری	روستایی	سهم شهری	سهم روستایی
آبادی	۲۸۳۳۰۰۰	۱۸۸۹۹۰۵	۹۴۳۰۹۵	۲۱.۷	۱۰.۸
شهر	۲۵۹۰۹۵۷	۱۹۱۲۲۴۰	۶۷۸۷۱۷	۳۳.۳	۱۱.۸
آبادی	۲۲۲۵۷۴۵	۱۵۳۵۵۲۷	۶۹۰۲۱۸	۲۶.۷	۱۲.۰

ماخذ: محاسبه بر اساس داده های سرشماری های عمومی سالهای ۵۵ تا ۹۵، مرکز آمار ایران

مهاجرت معکوس و سنتی در استانهای کشور (۱۳۹۵-۱۳۸۵ و ۱۳۸۵-۱۳۷۵):

طی دهه ۹۵-۱۳۸۵ استان مازندران با ۲۴.۵ درصد، بوشهر با ۲۰.۶ درصد و خراسان جنوبی با ۲۰.۳ درصد بیشترین میزان مهاجرت معکوس و استان قم با ۳/۹ درصد، البرز با ۵.۹ درصد و تهران با ۷.۳ درصد، کمترین میزان مهاجرت معکوس را نسبت به انواع سه گانه دیگر مهاجرت- روستا به شهر، شهر به شهر و روستا به روستا- داشته اند. در دهه ۸۵-۱۳۷۵ نیز تقریباً همین وضعیت به جز البرز که جزو تهران بوده و نیز استان جدید خراسان شمالی، وجود داشته است. تقسیمات سیاسی جدید و مرکزیت بجنورد و بیرجند که منجر به رشد شدید قیمت زمین و مسکن در این شهرها شده از عوامل اصلی رواج مهاجرت معکوس در آنها بوده است.

نسبت مهاجرت سنتی روستا به شهر مطابق جدول (۲) در دهه ۹۵-۱۳۸۵ (۱۲.۸ درصد)، نسبت به دهه ۷۵-۱۳۸۵ (۱۹/۲ درصد) کاهش یافته است. استانهای زنجان، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد بالاترین و استانهای تهران و قم کمترین نسبت مهاجرت روستا به شهر را داشته اند. در دهه نخست، استانهای کهگیلویه و بویراحمد، کردستان، آذربایجان غربی و اردبیل، بیشترین و استانهای خوزستان، مازندران و تهران کمترین میزان مهاجرت روستا به شهر را به خود اختصاص داده اند.

جدول (۲) مهاجرت طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۵ و ۱۳۷۵-۱۳۸۵

استانها	مهاجرت معکوس		مهاجرت روستا به شهر		مهاجرت معکوس		مهاجرت روستا به شهر		سطح محرومیت (نسبت بخش های محروم)
	درصد	شهر	درصد	شهر	درصد	شهر	درصد	شهر	
کل کشور	۱۲.۸	۱۲۶۳۲۸۲	۱۲.۸	۱۲۶۳۲۸۲	۱۲.۸	۱۲۶۳۲۸۲	۱۲.۸	۱۲۶۳۲۸۲	۵۶.۸
آذربایجان شرقی	۱۳.۷	۴۹۸۴۴	۱۳.۷	۴۹۸۴۴	۱۳.۷	۴۹۸۴۴	۱۳.۷	۴۹۸۴۴	۴۵.۵
آذربایجان غربی	۱۷.۲	۵۲۰۶۶	۱۷.۲	۵۲۰۶۶	۱۷.۲	۵۲۰۶۶	۱۷.۲	۵۲۰۶۶	۷۷.۵
اردبیل	۱۲.۷	۱۶۱۵۷	۱۲.۷	۱۶۱۵۷	۱۲.۷	۱۶۱۵۷	۱۲.۷	۱۶۱۵۷	۵۱.۷
اصفهان	۹	۶۰۹۳۵	۹	۶۰۹۳۵	۹	۶۰۹۳۵	۹	۶۰۹۳۵	۲۳.۴
البرز	۵.۹	۳۳۵۵۲	۵.۹	۳۳۵۵۲	۵.۹	۳۳۵۵۲	۵.۹	۳۳۵۵۲	۰
ایلام	۱۷.۴	۱۲۵۲۰	۱۷.۴	۱۲۵۲۰	۱۷.۴	۱۲۵۲۰	۱۷.۴	۱۲۵۲۰	۹۵
بوشهر	۲۰.۶	۴۳۵۹۷	۲۰.۶	۴۳۵۹۷	۲۰.۶	۴۳۵۹۷	۲۰.۶	۴۳۵۹۷	۸۷
تهران	۷.۳	۱۳۳۷۸۱	۷.۳	۱۳۳۷۸۱	۷.۳	۱۳۳۷۸۱	۷.۳	۱۳۳۷۸۱	۰

استانها	مهاجرت معکوس ۸۵-۹۵	درصد	مهاجرت روستا به شهر ۷۵-۸۵	درصد	مهاجرت معکوس ۷۵-۸۵	درصد	مهاجرت روستا به شهر ۸۵-۹۵	درصد	مهاجرت معکوس ۸۵-۹۵	سهم استانها از کل مهاجرت معکوس ۸۵-۹۵	سطح محرومیت (نسبت بخش های محروم)
چهارمحال و بختیاری	۹۱۸۹	۹.۱	۳۱۹۷۹	۱۸.۵	۲۴۴۹۸	۲۳.۴	۲۳۷۱۸	۹.۱	۹۱۸۹	۰.۷	۴۰.۹
خراسان جنوبی	۲۹۸۵۴	۲۰.۳	۳۶۲۹۲	۲۰.۳	۲۷۳۸۵	۲۰.۹	۳۰۷۴۲	۲۰.۳	۲۹۸۵۴	۲.۴	۸۵
خراسان رضوی	۱۲۳۰۳۷	۱۷	۱۸۴۱۴۳	۱۶.۹	۱۵۶۲۳۶	۱۳.۹	۱۰۰۳۹۴	۱۷	۱۲۳۰۳۷	۹.۷	۶۸.۱
خراسان شمالی	۲۴۶۲۲	۱۸.۸	۳۴۹۳۵	۲۴.۹	۳۳۵۱۳	۲۲.۸	۲۹۹۷۶	۱۸.۸	۲۴۶۲۲	۲	۶۴.۷
خوزستان	۴۵۰۰۷	۱۱.۱	۸۸۵۴۷	۱۶.۲	۹۵۴۴۰	۱۰.۹	۴۳۱۷۵	۱۱.۱	۴۵۰۰۷	۳.۶	۶۹.۱
زنجان	۲۰۴۸۰	۱۵.۶	۳۶۹۲۰	۲۲.۲	۳۵۸۲۵	۲۸	۳۶۷۴۵	۱۵.۶	۲۰۴۸۰	۱.۶	۷۵
سمنان	۱۸۰۵۴	۱۲.۶	۲۴۲۴۱	۱۸.۲	۲۳۳۳۱	۹.۳	۱۳۳۸۴	۱۲.۶	۱۸۰۵۴	۱.۴	۲۰
سیستان و بلوچستان	۲۲۶۶۲	۱۲.۴	۴۵۸۸۵	۱۴.۳	۳۷۷۶۲	۱۱.۳	۲۰۶۶۷	۱۲.۴	۲۲۶۶۲	۱.۸	۱۰۰
فارس	۶۳۴۶۶	۱۰.۱	۱۲۹۲۸۷	۱۹.۳	۱۲۶۴۳۱	۱۷.۱	۱۰۵۷۶۶	۱۰.۱	۶۳۴۶۶	۴.۹	۶۶.۳
قزوین	۲۱۶۴۸	۱۱.۷	۵۶۶۷۹	۱۶.۳	۳۶۶۲۷	۱۵	۲۷۸۱۲	۱۱.۷	۲۱۶۴۸	۱.۷	۴۲.۱
قم	۵۷۲۹	۳.۹	۳۳۹۰۸	۴.۷	۷۸۰۳	۹.۲	۱۳۴۵۶	۳.۹	۵۷۲۹	۰.۵	۰
کردستان	۳۷۰۲۴	۱۵.۲	۷۴۸۲۹	۲۱.۵	۵۵۷۸۰	۲۶.۱	۶۳۷۶۸	۱۵.۲	۳۷۰۲۴	۲.۹	۸۶.۲
کرمان	۳۸۴۶۶	۱۴.۶	۷۷۰۲۶	۱۸.۳	۵۳۹۸۷	۱۲.۵	۳۲۸۰۸	۱۴.۶	۳۸۴۶۶	۳	۵۵.۲
کرمانشاه	۳۸۹۴۶	۱۸.۷	۵۷۸۳۵	۲۲.۶	۵۹۸۰۵	۱۵.۹	۳۳۳۱۱	۱۸.۷	۳۸۹۴۶	۳.۱	۶۴.۵
کهگیلویه و بویراحمد	۱۹۹۱۱	۱۶.۷	۴۷۲۵۳	۱۴	۱۹۸۴۴	۲۵.۳	۳۰۱۰۰	۱۶.۷	۱۹۹۱۱	۱.۶	۸۸.۲
گلستان	۴۶۴۳۵	۱۹.۳	۵۵۶۰۹	۲۴.۶	۷۳۹۸۸	۱۴.۹	۳۵۸۴۱	۱۹.۳	۴۶۴۳۵	۳.۷	۴۴.۴
گیلان	۷۲۷۹۴	۱۸.۹	۸۰۶۱۲	۲۳.۸	۱۱۵۴۳۵	۱۱.۱	۴۲۸۷۹	۱۸.۹	۷۲۷۹۴	۵.۸	۳۰.۲
لرستان	۲۲۰۶۹	۱۷	۴۲۲۱۷	۲۱	۴۴۷۲۳	۱۵	۱۹۴۵۸	۱۷	۲۲۰۶۹	۱.۷	۷۴.۱
مازندران	۹۴۴۲۵	۲۴.۵	۷۸۹۲۳	۲۷.۲	۱۲۸۹۶۴	۹.۶	۳۶۸۴۳	۲۴.۵	۹۴۴۲۵	۷.۵	۲۲
مرکزی	۲۵۷۴۶	۱۳.۳	۶۱۱۹۴	۱۵.۸	۴۰۸۵۶	۱۵.۹	۳۰۶۲۲	۱۳.۳	۲۵۷۴۶	۲	۳۴.۸
هرمزگان	۲۷۳۵۲	۱۱.۵	۳۵۴۶۹	۱۸.۳	۴۳۸۴۲	۱۴.۵	۴۴۳۹۹	۱۱.۵	۲۷۳۵۲	۲.۲	۸۱.۶
همدان	۳۰۳۲۶	۱۶	۶۲۰۲۲	۲۱	۵۰۱۱۳	۱۹.۳	۳۶۵۵۴	۱۶	۳۰۳۲۶	۲.۴	۴۰
یزد	۲۴۷۶۸	۱۳.۳	۳۶۱۵۴	۱۷	۳۲۳۴۹	۱۰.۷	۱۹۸۳۵	۱۳.۳	۲۴۷۶۸	۲	۵۰

ماخذ: محاسبه بر اساس داده های سرشماری سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و ۱۳۸۵-۱۳۹۵ سایت مرکز آمار ایران و شاخص محرومیت بر اساس اطلس مناطق محروم کشور، سال ۱۳۹۶.

به طور کلی، در استانهایی که دارای مناطق روستایی برخوردارتر از نظر شاخص های محیطی، اجتماعی و اقتصادی بوده اند (محرومیت کمتر)، مهاجرت معکوس رایج تر بوده است. ضریب همبستگی بین شاخص محرومیت و مهاجرت معکوس استانها (درصد مهاجران معکوس نسبت به جمعیت روستایی) طبق آزمون پیرسون معادل منفی ۰/۴۷۷ که در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ رابطه معکوسی را نشان می دهد؛ در نتیجه شیوع مهاجرت معکوس در استانهایی بیشتر است که در مجموع از نظر بارش سالیانه، شیب عمومی، ارتفاع، فاصله از مرکز بخش، برخورداری از خدمات، نسبت اراضی زراعی و باغی، رشد جمعیت و تحصیلات عالی وضعیت بهتری دارند (بر اساس اطلس مناطق محروم کشور، ۱۳۹۶). استانهای تهران، البرز، قم و سمنان به

لحاظ شاخص محرومیت، پایین ترین میزان و سیستان و بلوچستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر بالاترین میزان محرومیت را به خود اختصاص داده اند. بیشترین میزان مهاجران معکوس مربوط است به تهران، البرز، یزد و بوشهر که در سال ۹۵ حدود ۱۵ درصد جمعیت روستایی آنها مهاجران معکوس دهه ۱۳۸۵-۱۳۹۵ بوده اند. از نظر حجمی، استان های تهران، خراسان رضوی، مازندران و گیلان ۳۳ درصد از کل مهاجران معکوس کشور را جذب کرده اند. به عبارتی، مناطق پیرامونی دو کلان شهر نخست کشور به همراه دو استان سرسبز و مرطوب ساحلی، جاذب ترین مناطق بر حسب تعداد مهاجر شهر به روستا وارد شده بوده اند. بر خلاف سطح محرومیت استان بوشهر، نسبت بالای مهاجرت معکوس در آن را نباید نشانه خوبی تصور کرد زیرا عوامل رانشی شهر در این فرایند تأثیر بیشتری داشته اند و نیز تمرکز مهاجران معکوس در نقاط خاصی تحقق یافته است.

موازنه و اثربخشی مهاجرت بین روستا و شهر

مشخص کردن وضعیت استانها از نظر موازنه مهاجرت (مثبت- منفی) بین روستا و شهر، بُعدی مهم از پدیده ی مهاجرت را نشان می دهد. زیرا معلوم می شود در کدام استانها موازنه به نفع مهاجرت معکوس و یا به نفع مهاجرت سنتی است. شاخص اثر بخشی مهاجرت: نسبت تفاضل تعداد مهاجر وارد شده (مهاجرت معکوس) و تعداد مهاجر خارج شده (سنتی) بر مجموع آنها به درصد است و به هر میزان حاصل بزرگتر از صفر باشد جریان مهاجرت موثرتر است. به عبارتی معیار اثربخشی جریان مهاجرت حرکت بین دو منطقه خاص را بیان می کند (Newbold and Bruce:2017). برای محاسبه این شاخص از فرمول ذیل استفاده می شود.

$$e_{ij} = 100 \left[\frac{m_{ij} - m_{ji}}{m_{ij} + m_{ji}} \right]$$

جدول (۴) موازنه و اثربخشی مهاجرت بین روستا و شهر (۹۵-۱۳۸۵ و ۸۵-۱۳۷۵)

موازنه مهاجرت ۱۳۷۵-۱۳۸۵	موازنه مهاجرت ۱۳۸۵-۱۳۹۵	اثر بخشی		استانها
		مهاجرت ۱۳۸۵-۱۳۷۵	مهاجرت ۱۳۹۵-۱۳۸۵	
-۲.۷	۰	-۷.۵	۰	کل کشور
۲.۳	-۰.۴	۵.۰	-۱.۴	آذربایجان شرقی
-۵.۳	-۲.۷	-۱۱.۲	-۷.۳	آذربایجان غربی
-۵	-۷.۳	-۱۰.۵	-۲۲.۳	اردبیل
-۵.۲	-۰.۸	-۱۹.۵	-۴.۴	اصفهان
-	-۰.۲	-	-۱.۶	البرز
-۰.۸	۳.۶	-۲.۰	۱۱.۴	ایلام

استانها	اثر بخشی مهاجرت ۱۳۸۵-۱۳۹۵	اثر بخشی مهاجرت ۱۳۷۵-۱۳۸۵	موازنه مهاجرت ۱۳۸۵-۱۳۹۵	موازنه مهاجرت ۱۳۷۵-۱۳۸۵
بوشهر	۲۹.۷	۲۲.۰	۹.۵	۹.۶
تهران	۱.۶	-۲۷.۶	۰.۲	-۶.۹
چهارمحال و بختیاری	-۴۴.۲	-۱۳.۶	-۱۴.۳	-۵.۹
خراسان جنوبی	-۱.۵	-۱۴.۰	۶.۰	۶.۶
خراسان رضوی	۱۰.۱	-۸.۲	۳.۱	-۳
خراسان شمالی	-۹.۸	-۲.۱	-۴	-۱
خوزستان	۱.۳	۳.۷	۰.۲	۱.۲
زنجان	-۲۸.۴	-۱.۵	-۱۲.۴	-۰.۶
سمنان	۱۴.۹	-۱.۹	۳.۳	-۰.۷
سیستان و بلوچستان	۴.۶	-۹.۷	۱.۱	-۳
فارس	-۲۵.۷	-۱.۱	-۷	-۰.۵
قزوین	-۱۲.۵	-۱۹.۸	-۳.۳	-۸
قم	-۴۰.۳	-۶۲.۶	-۵.۳	-۱۵.۹
کردستان	-۲۶.۵	-۱۴.۶	-۱۰.۹	-۷.۴
کرمان	۷.۹	-۱۷.۶	۲.۱	-۲.۸
کرمانشاه	۷.۹	۱.۷	۲.۸	۰.۷
کهگیلویه و بویراحمد	-۲۰.۴	-۴۰.۸	-۸.۶	-۱۹.۴
گلستان	۱۲.۹	۱۴.۲	۴.۴	۶.۱
گیلان	۲۵.۹	۱۷.۸	۷.۸	۷.۲
لرستان	۶.۳	۲.۹	۲	۱.۲
مازندران	۴۳.۹	۲۷.۶	۱۴.۹	۱۱.۷
مرکزی	-۸.۷	-۱۹.۹	-۲.۶	-۷.۹
هرمزگان	-۱۱.۴	۱۰.۶	-۳	۳.۵
همدان	-۹.۳	-۱۰.۶	-۳.۳	-۵
یزد	۱۱.۱	-۵.۶	۲.۶	-۲.۱

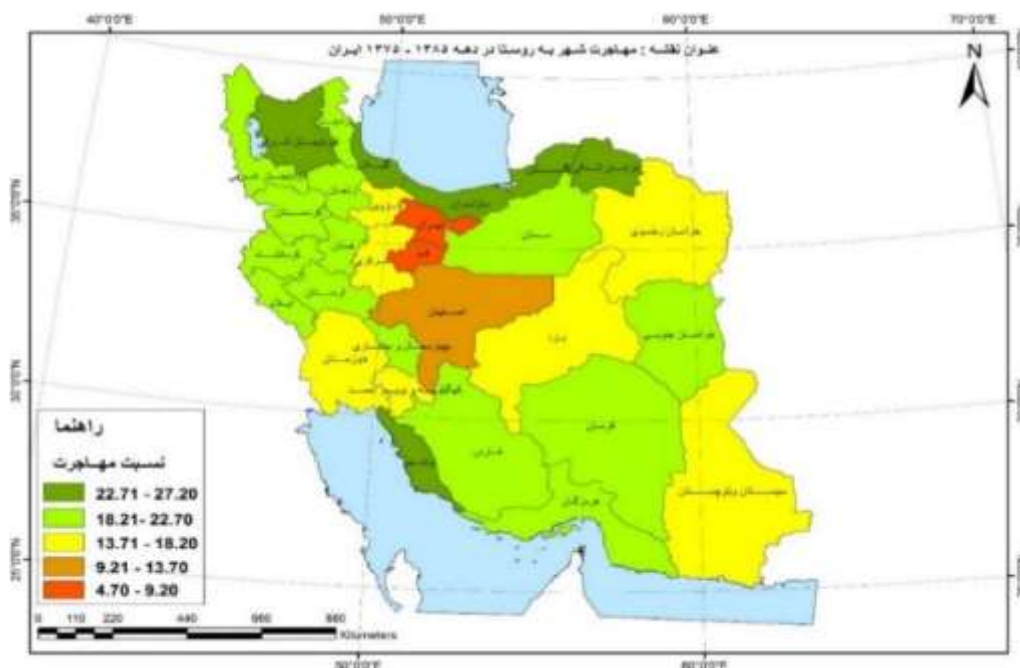
ماخذ: محاسبه نویسندگان، بر اساس داده های سرشماری سالهای ۱۳۸۵، ۱۳۹۵، سایت مرکز آمار ایران

مطابق جدول (۴) در دهه نخست، شاخص اثر بخشی در استانهای مازندران ۲۷.۶، بوشهر ۲۲، گیلان و ۱۷.۸، گلستان ۱۴.۲ بالاترین میزان و در قم ۶۲.۶-، کهگیلویه و بویر احمد ۴۰.۸-، تهران ۲۷.۶-، مرکزی ۱۹.۹-، قزوین ۱۹.۸-، اصفهان

۱۹.۵- پایین ترین میزان بوده اند. در دهه دوم، شاخص اثر بخشی در استانهای مازندران ۴۳.۹، بوشهر ۲۹.۷، گیلان ۲۵.۹، سمنان ۱۴.۹، گلستان ۱۲.۹ بالاترین و چهارمحال و بختیاری ۴۴.۲-، قم ۴۰.۳- زنجان ۲۸.۴- کردستان ۲۶.۵- فارس ۲۵.۷-، اردبیل ۲۲.۳-، پایین ترین میزان را نشان می دهد. بیشترین تحول مثبت در دهه ی اخیر در استانهای ایلام، خراسان رضوی، ایلام، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و بیشترین تحول منفی در استانهای چهارمحال و بختیاری، زنجان و فارس اتفاق افتاده است.

در دهه نخست، موازنه مهاجرت در استانهای مازندران ۱۱.۷، بوشهر ۹.۶، گیلان ۷.۲ و گلستان ۶.۱ به نفع مهاجرت معکوس و در کهگیلویه و بویر احمد ۱۹.۴-، قم ۱۵.۹-، قزوین ۸- و مرکزی ۷.۹- به نفع مهاجرت سنتی روستا به شهر بوده است. در دهه دوم، برتری مهاجرت معکوس به مهاجرت سنتی در مازندران با ۱۴.۹، بوشهر ۹.۵، گیلان ۷.۸ و گلستان ۴.۴ و برتری مهاجرت سنتی در چهار محال و بختیاری با ۱۴.۳-، زنجان ۱۲.۴-، کردستان ۱۰.۹- و کهگیلویه و بویر احمد ۸.۶- محاسبه شده است. بیشترین تحول مثبت در دهه ی اخیر در استانهای، تهران، کرمان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، سمنان، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد و بیشترین تحول منفی در چهارمحال و بختیاری، زنجان و فارس بوده است.

به طور کلی از نظر تئوری مهاجرت معکوس متأثر از جاذبه مناطق روستایی از نظر آب و هوایی برای زندگی توأم با وجود اشتغال کافی در آنها یا پیرامون آنها است. عامل اول در بسیاری از کشورها در جذب بازنشستگان اثر زیادی داشته است و لذا بسیاری از مناطق روستایی دارای جاذبه مزبور در ایران می توانند از تجربه شغلی و مدیریتی، مهارت و سرمایه مالی بازنشستگان برای کارآفرینی بهره برداری نمایند.



شکل (۱): مهاجرت معکوس در استانهای ایران (۸۵-۱۳۷۵)

مأخذ: محاسبه بر اساس داده های سرشماری ۱۳۸۵

مطابق شکل (۱) در دهه نخست، استانهای سرسبز و پر باران مجاور یا نزدیک دریای خزر و استان گازخیز/ ساحلی بوشهر در حاشیه خلیج فارس بیشترین نسبت مهاجرت معکوس را نسبت به سایر انواع مهاجرت داشته‌اند. استانهای مرکزی ایران شامل تهران، قم و اصفهان از این نظر در پایین‌ترین رده قرار دارند؛ در واقع در این مناطق به دلیل تمرکز شدید فرصت‌ها در نقاط شهری، مهاجرت شهر به شهر غالب تر بوده است.



شکل (۲): مهاجرت معکوس در استانهای ایران (۹۵-۱۳۸۵)

مأخذ: محاسبه بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۹۵

مطابق شکل (۲) در دهه دوم، تحول زیادی نسبت به دهه نخست مشاهده می‌شود که مهم‌ترین آن کاهش شدت مهاجرت معکوس در نیمه غربی و جنوبی به نفع مناطق شرقی کشور است. استانهای مازندران و بوشهر دارای بالاترین میزان مهاجرت معکوس و استانهای تهران، البرز و قم کمترین میزان مهاجرت معکوس را به خود اختصاص داده‌اند. در واقع سه استان اخیر، جذابیت بیشتری برای مهاجران شهر به شهر داشته‌اند که دارای آثار منفی متعددی برخلاف مهاجرت معکوس هستند.

۵- بحث و فرجام

مهاجرت از جمله مهاجرت معکوس و بازگشتی شهر به روستا پیامدهای مختلفی در مبادی و مقاصد بر جای می‌گذارد و لذا توجه به کمیّت و کیفیت جریان‌های مهاجرتی در بطن برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و عمرانی اجتناب ناپذیر است، به

ویژه در فضاهای خاصی در ایران که این پدیده رشد قابل اعتنایی داشته است. تحلیل مقایسه ای مهاجرت معکوس در ایران نشان می دهد در استانهای مازندران، بوشهر، گیلان، گلستان، لرستان، خوزستان، کرمانشاه و خوزستان طی دوره بیست ساله ۹۵-۱۳۷۵، نسبت مهاجرت معکوس بیش از مهاجرت سنتی روستا به شهر بوده است. در مقیاس ملی در دهه ۹۵-۱۳۸۵ در مقایسه با دهه‌ی قبل از آن، مهاجرت سنتی نسبت به مهاجرت معکوس روندی کاهشی و در نهایت موازنه مهاجرت بین روستا و شهر برخلاف روند دهه های قبلی متعادل شده است. برخی استانها مانند مازندران، بوشهر و گیلان دارای موازنه و اثر بخشی مهاجرتی مثبت شده اند، به عبارتی برتری مهاجرت معکوس را تجربه کرده اند. موقعیت طبیعی فضاهای روستایی و درهم تنیدگی دو محیط شهری و روستایی در گیلان و مازندران و موقعیت تجاری و صنایع گاز بوشهر سبب ساز این تحول نادر و به احتمال زیاد رو به فزونی در آینده خواهند بود. بر عکس، در استانهای کهگیلویه و بویر احمد، چهارمحال بختیاری، کردستان و قم، موازنه و اثر بخشی مهاجرتی منفی و غلبه با مهاجرت سنتی می باشد. با توجه به شاخص های تحقیق می توان گفت با وقوع تحول مثبت در استانهای تهران، خراسان رضوی و جنوبی، ایلام، سمنان و یزد در آینده شاهد غلبه بیشتر مهاجرت معکوس بر سنتی خواهیم بود و بر عکس، وقوع تحول منفی در سه استان چهارمحال و بختیاری، زنجان و کردستان در گذشته ای نزدیک، در صورت عدم توجه کافی به مناطق روستایی آنها، مهاجرت سنتی همچنان بر مهاجرت معکوس غلبه خواهد داشت که انباشت منطقه ای مسائل و حتی سرایت آنها به مناطق دیگر را باید انتظار داشت. در مجموع، پیش بینی می شود مهاجرت معکوس به دلیل رونق فعالیت های متنوع اقتصادی در مناطق روستایی پیراشهری رشد زیادی خواهد یافت و در آینده نه چندان دور، نسبت بالایی از جمعیت روستایی کشور را مهاجران با منشأ شهری تشکیل دهند.

با توجه به جذابیت بیشتر روستاهای پیرامون کلان شهرها - با مزایایی مانند سهولت دسترسی به شهر، استقرار در نزدیکی کانونهای گردشگری و برخوردار از فرصت سرمایه گذاری، ارتفاع بالاتر و دمای معتدل تر، وقوع موجی عظیم تر از مهاجرت به این فضاها بعید نخواهد بود که لازم است به موقع چاره اندیشی مؤثری در این زمینه انجام شود. در این میان، اگر چه شاخص های محیطی مؤثر بر جذب مهاجرین معکوس را نمی توان به طور تصنعی و یا با هزینه کرد متناسب با توان بخش عمومی در مناطق غیربرخوردار ایجاد نمود، ولی در بسیاری از مناطق روستایی برخوردار از شرایط محیطی مناسب می توان با ارتقای سطح برخورداری آنها از زیرساختهای ارتباطی و تأمین خدمات اساسی مانند آب آشامیدنی سالم، گاز، مدارس سیکل دوم، مراکز بهداشتی و درمانی و سهولت دسترسی به مراکز بخش و شهرستان ضمن تحریک ظرفیت ها و حفظ جمعیت محلی، امکان جذب مهاجران معکوس را برای آنها فراهم ساخت. به عبارتی، دامنه جذب مهاجران معکوس، بایستی فضای وسیع تری را شامل شود. به طور کلی مهاجرت معکوس در ایران را می توان با توجه شکل های ۱ و ۲ ناشی از عوامل زیر دانست: الف) اقلیم: نواحی مرطوب و معتدل مانند مازندران، گیلان، گلستان. ب) وضعیت توپوگرافی به ویژه مجاورت دشت/جلگه با نواحی پایکوهی مانند بوشهر، خراسان رضوی و ایلام که تفاوت قابل ملاحظه ای از نظر اعتدال هوا و کاهش آلودگی بین این دو فضا ایجاد کرده است. ج) جدید بودن استان، مانند خراسان جنوبی به مرکزیت بیرجند و خراسان شمالی به مرکزیت بجنورد که موجب رشد شدید قیمت زمین و مسکن شهری و در نتیجه جذابیت زندگی در مناطق روستایی پیرامونی شده است. د) اختلاف شدید هزینه های زندگی به ویژه متأثر از قیمت خرید یا اجاره مسکن بین مراکز شهری اصلی استان با فضای

روستایی پیرامونی. در همه موارد، زندگی در فضاهای پیرامونی همانند آرمانی ایده آل و نوستالوژیکی برای میلیون ها انسان خسته از زندگی شهرنشین مطرح شده است. به کارگیری رشد هوشمند در توسعه منطقه ای حکم می کند که سرعت تأثیرگذاری بر فضا بایستی توسط فضاندیشان و فضاسازان به نحو شایسته ای مدیریت، هدایت و کنترل شود. موضوع اساسی به منظور جلوگیری از تمرکز مهاجرت معکوس به سمت روستاهای معدود به ویژه در مجاور شهرها، تحقق کارکرد برنامه ریزی منطقه ای با رویکرد سرزمینی به نفع شهرهای محروم تر و مناطق روستایی فراموش شده تر می باشد.

۶- منابع

- ابراهیم زاده آسمین، حسین، اشتری مهرجردی، اباذر، اسلامی، ایمان (۱۳۹۸)، مهاجرت معکوس روستایی با تغییر سبک زندگی شهری، فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی سال دوازدهم، شماره اول، زمستان، صص ۱۶۹-۱۸۶.
- ابراهیمی، اسماعیل، تبیین جایگاه مهاجرت معکوس در باز ساخت روستاهای شمال استان اردبیل، نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال هشتم، شماره چهارم، پاییز، صص ۱۹۲-۱۷۳.
- افراخته، حسن، منافی آذر، رضا، ولائی، محمد (۱۳۹۵)، اثرات مکانی -فضایی مهاجرت بازگشتی در شهرستان میاندوآب، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال ۵، شماره ۱، بهار، شماره پاییز، صص ۹۴-۸۳.
- امان پور، سعید (۱۳۹۷)، شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر شکل گیری مهاجرت برگشتی مورد شناسی: بخش مرکزی شهرستان دزفول، جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، شماره ۲۹، زمستان صص ۶۰-۳۷.
- بارانی، نادر (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر مهاجرت معکوس بر افزایش امنیت و ثبات اجتماعی در مناطق روستایی سیستان، فصلنامه دانش انتظامی استان سیستان و بلوچستان، سال هشتم شماره ۲۵، زمستان، صص ۴۵-۳۳.
- پایدار، ابودر (۱۳۹۸)، تحلیل جغرافیایی محرک های مهاجرت بازگشتی در روستاهای پیرامن شهر زاهدان، دو فصلنامه جغرافیایی اجتماعی شهری، صص ۳۸-۱۹.
- حاجیلو، مهدی، قدیری معصوم، مجتبی، سنایی، مهدی (۱۳۸۷)، نقش و تاثیر خانه های دوم بر ساختار اقتصادی، اجتماعی ناحیه کلاردشت، پژوهش های جغرافیایی انسانی، شماره ۶۵، پاییز، صص ۳۱-۱۹.
- راغفر، حسین و قاسمی اردهایی علی (۱۳۸۸)، علل مهاجرت و ویژگیهای جمعیتی اقتصادی- مهاجران بین شهرستانی: بررسی تطبیقی مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر ایران طی دهه ی ۸۵-۱۳۷۵، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال چهارم، شماره ۸، صص ۳۹-۶۱.
- ربانی، رسول. طاهری، زهرا، روستا زهرا (۱۳۹۰)، بررسی علل انگیزه های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه ای اجتماعی و اقتصادی در روستاهای اطراف شهرستانهای تنکابن و رامسر، مجله ی پژوهش و برنامه ریزی شهری اصفهان، سال دوم، شماره ی ۵، تابستان، صص ۱۰۸-۸۳.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران، انتشارات سمت
- سعیدی، عباس (۱۳۸۸)، سطح بندی روستاهای کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، معاونت عمران روستایی، چاپ اول
- عقوبی جعفر، زبیدی، طاهره (۱۳۹۶)، بررسی انگیزه های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود - استان زنجان، فصلنامه پژوهشهای روستایی، تابستان، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۰۷-۱۹۹.
- عنابستانی، علی اکبر، جوانشیری، مهدی (۱۳۹۳)، برنامه ریزی کالبدی سکونتگاههای روستایی در ایران، انتشارات جهانی، چاپ اول.

- غفاری، فرهاد، نیکومرام هاشم و کنعانی مقدم، ثنا (۱۳۹۱)، شناسایی و ارزیابی متغیرهای اقتصادی اثرگذار بر مهاجرت معکوس مطالعه موردی کلان شهر تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت شهر، ی سال چهارم، شماره 9، صص ۶۹-۵۷.
- فیروزنیا، قدیر؛ ضیاء توانا، محمد (۱۳۸۵) تبیین فرایند تحول روستا با بهره گیری از نظریه چرخه حیات "تهران".
- قاسمی اردهالی، علی، نوبخت، رضا (۱۳۹۵)، علل و تعیین کننده های جریانهای مهاجرت معکوس در ایران، انجمن جمعیت شناسی ایران / سال یازدهم، شماره ۲۱، بهار و تابستان صص ۴۱-۷۰.
- قاسمی، مریم، جوان جعفر، صابری زهرا (۱۳۹۳)، تحلیلی بر علل شکل گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی شهرستان بینالود، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال چهارم، شماره شانزدهم، تابستان. صص ۳۷-۱۵.
- لوکاس، دیوید و میر، پا (۱۳۸۱)، درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، انتشارات دانشگاه تهران
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان کرج، دوره آماری ۱۳۸۵.
- ملکی، زهرا، مولایی هاشم، باسط قرشی مینا آباد، نصرالله (۱۳۹۸)، اثرات و پیامدهای مهاجرت معکوس در تحولات محیطی - اکولوژیکی و کالبدی روستاهای ساحلی شهرستان رشت، نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره اول، زمستان. صص ۶۵۶-۶۳۵.
- منافی آذر، رضا، عبدلهی، عبدالله، علیزاده، تیمور، ولایی، محمد، قاسمی اردهالی، علی (۱۳۹۶)، مهاجرت های بازگشتی و پیامدهای آن بر سکونتگاههای روستایی، مطالعه موردی، بخش باروق شهرستان میاندوآب، مطالعات برنامه ریزی سکونتگاههای انسانی، سال دوازدهم، شماره ۳۸، بهار. صص ۱۹۷-۱۷۹.
- مهاجرانی، علی اصغر، روستا، زهرا (۱۳۹۳)، بررسی مهاجرت معکوس و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و تغییرات فرهنگی و سیاسی در روستاهای شهرستانهای تنکابن و رامسر واقع در استان مازندران ۱۳۹۰-۱۳۸۵ شهری مطالعات جامع شناختی شهری، دانشگاه دهقان، سال ۵، شماره ۱۳، صص ۱۹۴-۱۶۷.
- Andersen, L., (2002), Rural – Urban Migration in Bolivia: Advantages and Disadvantages, Institute De Investigations Socio-Economics, Universidad Catholic Boliviana, La Paz, Bolivia.
- Barcus Holly, (2004), Urban-Rural Migration in the USA: An Analysis of Residential Satisfaction, Regional Studies, Volume 38, Issue 6, 2004, pages 643-657
- Collier, W. Piracha, M., & Randazzo, T. (2011). Remittances and return migration. IZA Discussion Paper Series, 6091(1-31), Retrieved 20 September 2015 from: <http://ftp.iza.org/dp6091.pdf>
- Lucas, David & Mir, Powell (2002), An Introduction to Population Studies, Translated by Hossein Mahmoudian, University of Tehran Publications
- Newbold, K. Bruce (2017), geography Population, Tools and issues, Third Edition, Rowman Littlefield, New York.
- Okali, D., Okpara, E. & Olawoye, J., (2001) The Case of Aba and its Region, Southeastern Nigeria, Working Paper Series on Rural-Urban Interactions and Livelihood Strategies, Working Paper 4, Human Settlements Programmed ILED, 3 EnSleigh Street, London, WCIH ÖDD.
- Pacion, M. (1985), Rural Geography, Harpper and Row Publishers.
- Rocchi, B., (2009), Gathering Information on Total Household Income Within an "Industry Oriented" Survey on Agriculture: Methodological Issues and Future Perspectives, Wye City Group on Statistics on Rural Development and Agriculture Household Income Second Meeting, Rome, Italy
- Stockdale, A, (2014) Unravelling the migration decision-making process: English early Retirees moving to rural mid-Wale. Journal of Rural Studies, 34 pp.161,171

